



خسروپناه تشریح کرد؛ آباروش‌شناسی معینی برای کشف مرادشارع مقدس و خداوند متعال وجود دارد

متفکران اسلامی و غربی در زمینه منطق فهم اسلام به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروهی به منطق فهم دین اعتقاد داشته و دسته دیگری، منکر وجود چنین منطقی شدند.

متفکران اسلامی و غربی در زمینه منطق فهم اسلام به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروهی به منطق فهم دین اعتقاد داشته و دسته دیگری، منکر وجود چنین منطقی شدند.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، در کانال تلگرام خود در مورد منطق فهم اسلام نوشته است: پس از بیان حقانیت نبوت و امامت و اثبات بعثت حضرت ختمی مرتبت (ص) و اثبات ولایت و امامت ائمه اثنا عشر (علیهم‌السلام) و حقانیت قرآن و سنت پیامبر و اهل بیت به عنوان مهمترین منابع اسلام، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان منابع اسلامی را فهمید؟ آیا منطقی برای فهم دین اسلام و روش‌شناسی معینی برای کشف مراد شارع مقدس و خداوند متعال وجود دارد؟

متفکران اسلامی و غربی در این زمینه به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروهی به منطق فهم دین اعتقاد داشته و دسته دیگری، منکر وجود چنین منطقی شدند. دسته نخست در تاریخ علم اسلامی، به نظریه اجتهاد و دسته دوم، به نظریه تاریخمندی فهم یا نظریه قرائت‌های مختلف از دین، شهرت دارند.

تبیین نظریه اجتهاد:

اجتهاد، مبالغه جهد و جهد (به ضم و فتح) در لغت، به معنای تلاش توأم با رنج است. این واژه در اصطلاح، به معنای کوشش وسیع برای تحصیل احکام و حجت شرعی از دلایل و مدارک شرعی و همچنین به معنای ملکه اقتدار برای استنباط حکم شرعی به‌کار رفته است. اهل سنت، گاهی واژه اجتهاد را به معنای نظر شخصی می‌گیرند.

غزالی در کتاب «المستصفی» به نقل از ابوبکر می‌نویسد: «من درباره کلاله بر طبق رأی خودم حکم می‌کنم، اگر درست باشد از خداست و اگر نادرست باشد؛ از من و شیطان است و خدا و پیامبرش از آن بری و برکنارند.» محمد بن ادریس شافعی (وفات ۲۰۴ق)، اجتهاد را همان «قیاس» می‌داند و می‌نویسد: «قیاس و اجتهاد، دو اسم برای یک معنا می‌باشند.»

شهید صدر در تبیین تاریخ اجتهاد می‌نویسد: «واژه اجتهاد، نخستین بار در مسائل فقهی برای بیان یک قاعده، در بعضی مدارس فقه سنی به‌کار می‌رفته است؛ آن قاعده عبارت بود از این که اگر فقهی بخواهد یک حکم شرعی را استنباط کند و نصی از قرآن یا سنت نیابد؛ می‌تواند به جای نص، به اجتهاد متوسل شود؛ در اینجا، اجتهاد به معنای تفکر شخصی و فردی است... و مساله‌ای را که در اندیشه خود به آن دست یافته، همچون یک قانون الهی می‌پذیرد. می‌توان به این‌گونه استنباط شخصی، نام رأی نیز نهاد.» «همه علمای شیعه از اجتهاد به معنای عمل و فتوا دادن بر اساس رأی و استحسان و قیاس، منع می‌کنند ... اجتهاد به این معنا، نزد شیعه، قطعاً باطل است.»

همه متفکران شیعی از جمله، سید مرتضی و شیخ طوسی و ابن‌ادریس بر اساس توصیه ائمه اطهار (ع)، به نقد چنین اجتهادی پرداختند. امام صادق (ع) در روایات متعددی بر اجتهاد روشمند تأکید کرده و در روایات دیگری با اجتهاد مخالف با نص دینی مخالفت فرمودند.

محقق حلی (متوفای ۶۷۶ هجری)، نخستین شخصیتی است که در کتاب معارج‌الاصول به بحث از حقیقت اجتهاد پرداخته و گفته است: «اجتهاد در عرف فقها، عبارت از کوششی برای استخراج احکام شرعی است. بنابراین، استخراج احکام از ادله شرعی، اجتهاد محسوب می‌شود؛ زیرا استخراج احکام براساس یک سلسله اعتبارات ذهنی و نظری است و همیشه از طریق نصوص به دست نمی‌آید... براین اساس، قیاس هم یکی از اقسام اجتهاد است.

حال، آیا امامیه هم، اهل اجتهاد است؟ بله، همین‌طور است. ولی در اینکه قیاس (فقهی)، نوعی اجتهاد محسوب می‌شود؛ ابهام وجود دارد و شیعه از راه‌های نظری، به استثنای قیاس، اهل اجتهاد هست.»

اجتهاد به معنای تلاش روشمند، در فقه [علم به احکام شرعیه فرعیه از دلایل تفصیلی] به کار می‌رود. شهید صدر، علم فقه را علم استنباط احکام شرعی و علم عملیات استنباط دانسته است. امام خمینی در رساله اجتهاد و تقلید، بعد از بیان شئون فقیه می‌فرماید: «مجتهد و فقیه کسی است که قوه استنباط احکام و یا امکان آن را از ادله بالفعل دارد؛ اگرچه چیزی را بالفعل استنباط نکند.»

مقصود نگارنده از نظریه اجتهاد در بحث منطق فهم دین، تفقه روشمند- به معنای عام- در دین اسلام است و شامل همه عرصه‌های دینی اعم از اصول و فروع دین اسلام می‌شود. نظریه اجتهاد بر این نکته تأکید دارد که فهم دین اسلام از منابع دینی، یعنی قرآن و سنت و عقل، به صورت روشمند ممکن است و می‌توان به فهم صحیح و سقیم آنها دست یافت. فهمنده، باید تلاش کند تا به کشف مراد مؤلف برسد.

در نتیجه آشکار می‌شود که قرآن و سنت، منابع نقلی و عقل، منبع استدلالی دین اسلام به شمار می‌آیند؛ پس باید به صورت جداگانه، به تبیین روش‌شناسی تعقل و روش‌شناسی فهم متون اسلامی پرداخت.

متفکران اسلامی و غربی در زمینه منطق فهم اسلام به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروهی به منطق فهم دین اعتقاد داشته و دسته دیگری، منکر وجود چنین منطقی شدند.

دسته نخست در تاریخ علم اسلامی، به نظریه اجتهاد و دسته دوم، به نظریه تاریخمندی فهم یا نظریه قرائت‌های مختلف از دین، شهرت دارند.

روش‌شناسی تعقل :

عقل، یکی از منابع مهم برای فهم اسلام و متون اسلامی است. علامه طباطبایی معتقد است حیات انسان به فرجام نمی‌رسد؛ مگر این‌که همراه و بهره‌ور از عقل باشد؛ عقل در یک جمع‌بندی کلی، موظف به انجام سه وظیفه مهم است: یکم: شناخت هستی‌شناسی و در نتیجه خداشناسی است؛ (فاذاکان العبد عاقلاً کان عالماً بربه)؛ دوم: شناخت ارزش‌های اخلاقی؛ (العاقل الکامل قاهر الطبع السوء)؛ سوم: شناخت معیشت و رفع حوائج دنیوی. (افضل الناس عقلاً احسنهم تقدیراً لمعاشه).

عقل انسانی، هم ابزار معرفت و هم منبع معرفت است. طبیعت، به عنوان منبع معرفت بیرون از انسان و عقل، به عنوان منبع معرفت درون انسان شمرده می‌شوند. انسان، با منبع و ابزار عقل، معانی کلی و عقلی را درک می‌کند. عقل در درک معانی عقلی، همیشه نقش فعال دارد و با عملیات خاصی، محسوس را به معقول تبدیل می‌کند. قدرت عقل تا جایی است که ممتنع بالذات (مانند: اجتماع دو نقیض) را نیز تعقل می‌کند و از آن خبر می‌دهد. این عقل است که علوم حصولی را از علوم حضوری گرفته و تبیین می‌کند.

نگارنده بر این باور است که عقل، پدیده‌ای الهی است که توسط خداوند سبحان خلق شده و کاربستش را به ما نشان می‌دهد. عقلی که در شریعت معرفی می‌شود؛ ابزار و منبعی است که حکمت می‌سازد؛ پس عقل حکمت‌ساز؛ اولاً: نباید به مسایل حکمت نظری بسنده کند و باید مسایل حکمت عملی را نیز درک کند. ثانیاً: تنها مأموریت درک و شناخت را ندارد؛ باید به حکیمان و آشنایان به حکمت، تعبد و بندگی را بیاموزد و خضوع و خشوع در برابر خالق را در نفوس حکیمان ایجاد کند و برای بندگان خدا، سعادت را کسب کند.

عقل با کمک بدیهیات عقل نظری، مانند: اصل محال بودن تناقض و اصل علیت و با بهره‌گیری از بدیهیات عقل عملی، مانند: نیکو بودن عدالت و زشت بودن ظلم و همچنین با استفاده از شکل‌های اقتراعی و استثنایی منطق صوری، می‌تواند پاره‌ای از باورهای دینی، مانند: وجود و وجوب خدای سبحان، لزوم بعثت پیامبران الهی، حاجت به امامت امامان معصوم، ضرورت حیات جاودانه اخروی و... را ثابت کند و به شبهه‌های مخالفان پاسخ دهد. پس عقل نظری و عملی انسان، ودیعه الهی است که به عنوان منبع و ابزار معرفتی، بخشی از منطق فهم اسلام را تأمین می‌کند.